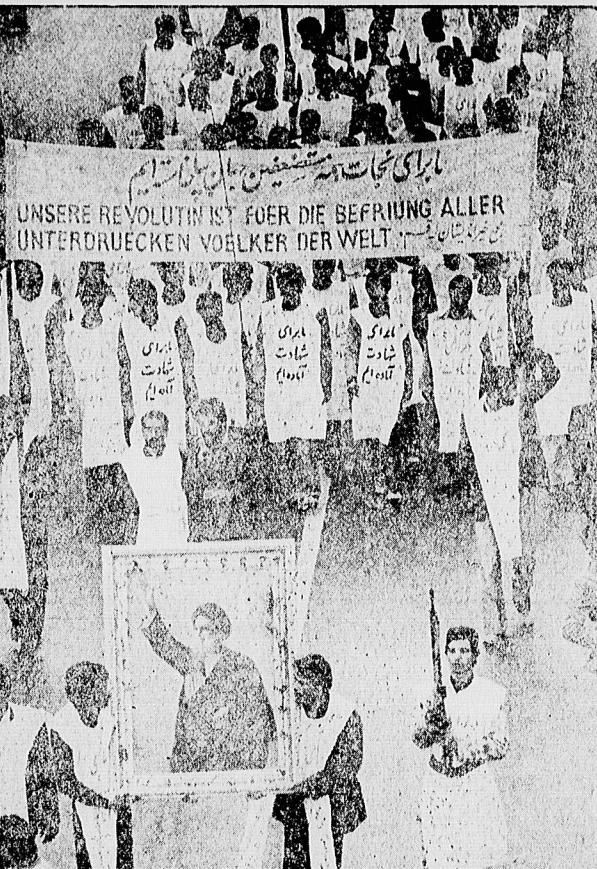


«اوتش شهادت» «شهادت ای زندگ» بی درانتظار جبهه جنگ

تصویر «شهادت،
عمر و گسترش
آن» از دریجه
دوربین محمد فروند،
خبرنگار عکاس

* روزی امام - معلم بزرگ شهادت - نیز همانند این کودک بود و امروز چای شکنی نیست که کودک این مهین افلاطونی هم لایس شهادت را تقدیم کند و با زبان تصویر، امام را به شهادت بطلبید. او میخواهد بگویید این سرزمین، سرزمین عصید و ایامی است که در کهوار امنی کوکانی می‌افزیند که مردان فردان و رهروان خط امام خواهند بود.



* تا دنیا نپذیرد که ما نوشته ایم: «ما برای نجات مسحیان تارک دنیا و همه مستضعفین جوان بیا بی نظم، ما سازمانیافته و در صوفیان تن به فرق دادی خاسته ایم». یعنی که فلسفه صرف پولادین حرکت می‌کنم، در راه خدا و بیانات همه از سیاست بریده، از کفن قیام و شهادت طلبی ما محروم آن تحت ستر و رهایت ایقانی افساده در جنگ امیر پاییم استنصال کر منی محکم و در این راه کفک پوشیدم و اساده شهادت، سریاز امام و کوش بفرمان او هستیم و خواهیم بود.



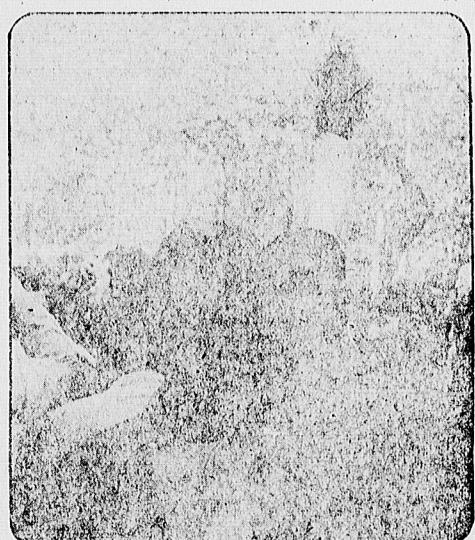
* روز ام و استوار حون کوههای منحرک به پیش می‌رویم، بر شست خوش آمده، را فرم زد ام، زیرا فم بخشنده شهر قیام و تحشیش مشهد شهادت بود. شهادت ما برخلاف آنچه تبلیغ کردند این «حققت باختی» و «ای هدف مردن» و «به پروری ای اعشا بودن» نیست. ما نخست فرباد «هم» و قیام می‌زنیم، زیر شهید کسی است که قیام کرده و فرباد «هم» علیه طام بخاسته است.



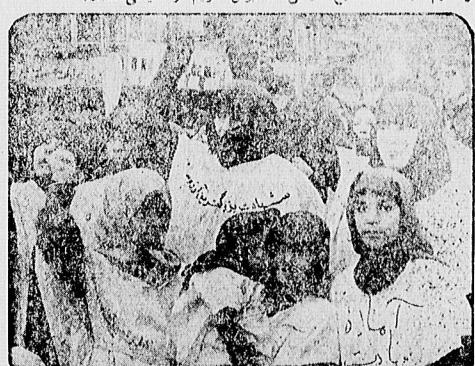
* غربیاد، فرباد شهادت است و گهواره، گهواره خوبین علی افسر سریاز ششماده حسین (۱) سند جانش ایلیسان تاریخ ای غرب، ن شرق، ای امریکا بای خوبین تاریخی داریم، تاریخ مان نهاد، «گهواره شهادت» بود است و مادر گهواره ای، چین خوبین زسته ایم، ما در گهواره «شهادت» و شما در گهواره «راحت».



* شهادت، شریعه ای خوبی بوده است، ایست که بر شاه پیروز شده و زل همین خون پاک صلح، که کوکان هارا نیز در همان چین است که بر امریکا و ای رژیمها نیز پیروز خواهیم شد شهیدان و ایلک چشم شهید همان ایشان می‌بیند، ای ایز و از ایزرو است که غربیها بپروردان، شهادت در میهن خوبی شهادت را می‌چندند و بوت زده می‌گفتند؛ این اسلامی و مکتب ایشان ما لایس را که لایس، کولا و فرنک و این نسل «مجذوب ایشانی است بلند و پر فیض، علاقت عالیورا است برای ادام شهادت» است!



* هموز لایس سده بود، مائیم، کوچه ایمه، اغفار جنون مسنه بیود، جلد ای دارم کوچه پرچه ایان «سته، هایان است که سالها و تاریخ همان خون مبارا بر سرخ است و سنه دان ایشانها تکرار نموده اند اماست زین ریختند و غلط خود خوبیان، اخر هزار ایام خون شهادت ایان نه ادب و رسوم ما همان زیاد و زیادتر شد فرزندان فائزه ای را پیچ و بیو می‌شنیم، لایس که سراسر ایان رنگ سرخ به نکرهانه ایم سهه بیانگار سیچ ساسی که برق دارم از سیاهی نشست.



* زنان ما نیز شهادت یکی از زنان فهرمان بر سینه نمیتوانی بپیر، یعنی که میدهندن که فرهنگ «شهادت» خوبی نوشته است: «شهادت ایدا دمین پاید بپیر، راسته هم کوکانی که در دامان چون زنایی تربیت مشهوند نه تها شیر مردان و شیر زنان تربیعی را بر سینه دارد که، بچای شیر، شربت شهادت می‌کند فرزندان ما نیز چنین اند، «اگر من تو زان بپیران و اگر تو شنید و این کودک کوکه ایاعای ما است».



* ما برای شهادت است که با بوق و کرنا در «مزد جنگیم» طیبیه است که آمده ایم و این نه عزا که گوش عالم من دمیم، ما مرد گوش دنیا - گوشی که جز عروسی است، این شهادت شهادتیم نه بمعانی ایشانکه نعمه عازت و قتل را نمی‌مرکی زیبون و بی اراده تسليمه مرگ و گشتنیم، نه، شنود - «اوای سرخ شهادت» نیست، مرگ سرخ و صبحی ما مردمشادیم بمعانی ائمه ماران نیستند.

که جوانم هدف، تا این دسته هر کس خون نشسته رای بلند بر سنه ایمان ناخه و تا این فربادها رعد ایسا افل شهیدان زده این مهین برجسته است (امریکا بای خانی می‌تواند یکند)، افرین مردا افرین ایلاند شده ای و فامش را خان به ایمان نشسته ای که گوارا تمام وجودت را بروی برواز گرفته است، تمامی دردها را در فرباد رنجیده ای، افرین مردا